

فصلنامه علمی- پژوهشی **رهیافت**

سال نهم، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۴
صفحه ۴۷ تا ۶۶

تحلیل گفتمانی؛ روشی برای تحلیل بازتاب انقلاب‌ها

عباس کشاورز شکری / دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد

حسن ناصر خاکی / دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد

naserkhaki1@yahoo.com

چکیده

انقلاب‌ها علاوه بر بعد ملی و سرزمینی دارای بازتاب‌های فراملی و جهانی هستند. نظریه‌پردازی در مورد این بعد از انقلاب‌ها به‌طور عام و در مورد انقلاب اسلامی ایران به‌طور خاص کمتر مورد توجه بوده است. این مقاله با استفاده از نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موف در پی توجه به این بعد بوده و در صدد است به این سؤال پاسخ دهد که از منظر تحلیل گفتمان لاکلاو و موف، قابلیت و نحوه بازتاب یافتن یک گفتمان انقلابی همچون انقلاب اسلامی ایران به چه عواملی وابسته است؟ بر اساس یافته‌های این مقاله می‌توان گفت که برای فهم قابلیت و نحوه بازتاب یافتن یک گفتمان انقلابی می‌بایست به عواملی چون: نظام معنایی گفتمان انقلابی، قابلیت اعتبار و قابلیت دسترسی گفتمان انقلابی، توانایی آن در تشکیل زنجیره هم‌ارزی فراگیر، سطح استعاری و فراگیر بودن اسطوره گفتمان انقلابی، پادگفتمان‌ها و رقابت‌های جهانی و شرایط گفتمانی جوامع مخاطب توجه نمود.

کلید واژه: انقلاب، بازتاب، تحلیل گفتمان، لاکلاو و موف.

تاریخ تأیید ۱۳۹۴/۱۱/۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۹/۲۷

مقدمه

انقلاب‌ها علاوه بر تغییراتی که در عرصه سرزمینی و یا ملی خود ایجاد می‌کنند دارای تأثیرات و بازتاب‌هایی فراملی نیز هستند. اساساً انقلاب‌ها پدیده‌هایی بین‌المللی هستند، نه فقط به این دلیل که غالباً باعث منازعه نظامی میان کشورها می‌شوند، بلکه حتی مهم‌تر از آن، به این دلیل که ایده‌ها و اهدافشان به سراسر جهان انتشار می‌یابند. وقتی ایده‌های انقلابی به کشورهای دیگر سرایت می‌کنند و ملت‌ها جذبشان می‌شوند، این ایده‌ها می‌توانند به پیشبرد انقلاب‌ها کمک نمایند و امواج جدیدی از انقلاب‌ها را، با اهدافی مشابه، خلق کنند. از سویی دیگر قدرت ایده‌های انقلابی را می‌توان در گستره دامنه انتشارشان، و در تأثیرشان بر منازعات انقلابی چند جانبه مشاهده نمود (کاتز، ۱۳۹۲: ۲۲۱). «اسکاچ‌پل» معتقد است که انقلاب‌های اجتماعی تنها به لحاظ ملی دارای اهمیت نیستند، در برخی موارد این انقلاب‌ها باعث رشد الگوها، اندیشه‌ها و خواست‌های بزرگ بین‌المللی می‌شوند (اسکاچ‌پل، ۱۳۸۹: ۲۰). «هرماسی» نیز معتقد است که انقلاب‌ها نه تنها بر افکار سایر کشورهایی که می‌خواهند از انقلاب‌ها الگوپذیر باشند، اثر می‌گذارند بلکه بر کشورهای که با ایده‌های انقلابی مخالفند نیز تأثیر دارند. ویژگی شناخته شده انقلاب‌های اجتماعی، حاکی از تأثیر آنها در ماوراء مرزها است (اسکاچ‌پل، ۱۳۸۹: ۲۰). «فرد هالیدی» نیز معتقد است که: انقلاب‌ها قبل از هر چیز وقایعی بین‌المللی هستند، چه از حیث علت و چه از نظر معلول،... دنیای امروز تا حد زیادی به وسیله پیروزی انقلاب‌ها و آثار و نتایج بین‌المللی آن شکل گرفته است (هالیدی، ۱۳۷۸: ۱۳). عبارات فوق به خوبی مبین اهمیت بازتاب بین‌المللی انقلاب‌ها و تأثیرات آنها در عرصه جهانی هستند با این وجود این بعد از ابعاد انقلاب کمتر مورد توجه بوده و نظریه‌پردازی کمتری در عرصه فهم و تبیین آن صورت گرفته است. فرد هالیدی در کتاب «انقلاب و سیاست بین‌الملل؛ فراز و فرود شش قدرت بزرگ» و مقاله «انقلاب و روابط بین‌الملل» و مارک کاتز در مقاله «انتشار امواج انقلابی» به این موضوع توجه نموده‌اند. در ایران نیز دکتر ابراهیم برزگر در کتاب «نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران» به ارائه چند نظریه در این زمینه مبادرت ورزیده و دکتر محمدباقر خرمشاد در مقاله «بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران در رویکرد نظری» سعی نموده است به ارائه یک نظریه پیرامون بازتاب انقلاب‌ها بپردازد. در این راستا این مقاله ضمن بهره‌مندی از کارهای انجام شده، در صدد است از منظری دیگر به این موضوع توجه کند و مقدماتی نظری را برای «تحلیل گفتمانی بازتاب انقلاب‌ها» ارائه نماید. در این گام

تمرکز بر کارآیی روش تحلیل گفتمان در تبیین نظری بازتاب انقلاب است و سعی می‌شود مبانی نظری و روشی برای تحلیل بازتاب انقلاب‌هایی همچون انقلاب اسلامی ایران را به‌عنوان یک گفتمان فراهم آورد. تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی ایران از منظر کلامی، فقهی، سیاسی و یا اقتصادی، افق‌ها و زمینه‌های خاصی را برای تحلیل‌گران انقلاب فراهم می‌کند و به همین ترتیب تحلیل آن به مثابه یک گفتمان نیز اقتضائات روشی و زمینه‌های تحلیلی ویژه‌ای را فراهم خواهد نمود. انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک گفتمان انقلابی از بدو پیروزی تاکنون دارای بازتاب‌ها و پیامدهای تأثیرگذاری در عرصه بین‌المللی بوده است. در این میان نکته مهم آن است که تداوم و به چشم‌انداز مطلوب رسیدن این بازتاب‌ها از منظرهای متعدد و متنوع مورد بررسی قرار گیرد تا با نگاهی جامع و چند وجهی بتوان آن را به جایگاه مطلوب رساند. از این منظر این مقاله از منظری گفتمانی به موضوع بازتاب انقلاب‌ها به‌طور خاص پرداخته و زمینه را برای تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی ایران از منظر تحلیل گفتمان فراهم می‌نماید.

بر این اساس سؤال اصلی این مقاله آن است که: آیا می‌توان از نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موف برای فهم قابلیت و نحوه بازتاب یافتن انقلاب‌ها بهره برد؟ و به عبارتی دیگر: قابلیت یک گفتمان انقلابی برای بازتاب یافتن به چه عواملی وابسته است؟ به منظور پاسخ به سؤال اصلی، این مقاله ابتدا به اختصار به توضیح نظریه گفتمان و تحلیل گفتمان لاکلاو و موف پرداخته و سپس مفهوم انقلاب را در اندیشه آنان بررسی نموده و در ادامه نحوه کاربست نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موف را به‌عنوان یک روش برای فهم نحوه قابلیت بازتاب انقلاب‌ها شرح می‌دهد.

۱- نظریه تحلیل گفتمان

از منظر تحلیل گفتمان، یک پدیده تنها از طریق گفتمان قابل فهم است و هر گفتمان علاوه بر فهم پدیده، پیامدهای خاص اجتماعی را نیز به دنبال می‌آورد. بنابراین گفتمان‌ها به واقعیت معنا می‌دهند و جهان اجتماعی در نتیجه همین فرآیند معنابخشی ساخته می‌شود و تغییر می‌کند. به عبارت دیگر، در این نظریه، زبان صرفاً گذرگاه انتقال اطلاعات و بازنمایی صرف واقعیت نیست، بلکه ماشینی است که جهان اجتماعی را می‌سازد و معنادار می‌کند. هویت‌ها و روابط اجتماعی نیز محصول زبان و گفتمان‌ها هستند و تغییر در گفتمان، تغییر در جهان اجتماعی را به همراه خواهد داشت و نزاع گفتمانی به تغییر و باز تولید واقعیت اجتماعی منجر می‌شود. همچنین این نظریه بر تاریخی و فرهنگی بودن هویت و دانش

انسانی تأکید می‌کند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۲). ایده کلی نظریه گفتمان این است که پدیده‌های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند. معانی هیچ‌گاه نمی‌توانند برای همیشه تثبیت شوند و این امر، راه را برای کشمکش‌های همیشگی اجتماعی بر سر تعاریف جامعه و هویت باز می‌گذارد که خود تأثیرات اجتماعی به همراه دارد. وظیفه تحلیل‌گران گفتمان، نشان دادن جریان این کشمکش‌ها بر سر تثبیت معنا در تمامی سطوح امر اجتماعی است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۴). تحلیل گفتمان با رویکردهای مختلف توسط متفکران گوناگون مطرح شده است. در این بین در حوزه علوم سیاسی لاکلائو و موف مهم‌ترین نظریه گفتمانی را ارائه کرده‌اند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۲). این مقاله بر اساس این نظریه به تبیین موضوع می‌پردازد لذا در ادامه به اختصار به تشریح آن پرداخته می‌شود.

۱-۱- نظریه تحلیل گفتمان لاکلائو و موف

آنچه نظریه گفتمانی لاکلائو و موف را از سایر نظریه‌های گفتمانی متمایز می‌کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است. آنها بنا بر مبانی پساساختارگرایانه و زبان‌شناسانه خود نگرشی جدید و بحث‌برانگیز را در علوم اجتماعی مطرح می‌کنند و مقوله‌های زبانی و گفتمانی را به همه حوزه‌های اجتماعی سرایت می‌دهند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۴). لاکلائو و موف در نظریه‌پردازی خود عمدتاً متأثر از اندیشه‌های آنتونیو گرامشی و در بعد روش‌شناسی متأثر از ساختارگرایی آلتوسر و پساساختارگرایی دریدا و فوکو هستند. مهم‌ترین مفاهیمی که لاکلائو و موف برای بیان نظریه خود از آنها استفاده کرده‌اند عبارتند از: هژمونی، گفتمان، مفصل‌بندی، نشانه مرکزی، زنجیره هم‌ارزی و تفاوت، بی‌قراری و تزلزل، قابلیت دسترسی، دال‌های خالی، قابلیت اعتبار، اسطوره، آنتاگونیسم و آگونیسم.

لاکلائو و موف چهار مفهوم مهم نظریه گفتمان را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «ما مفصل‌بندی را هرگونه عملی به شمار خواهیم آورد که رابطه‌ای را میان مؤلفه‌ها تثبیت می‌کند، به نحوی که هویت‌شان در نتیجه عمل مفصل‌بندی دستخوش تغییر شود. آن کلیت ساختار یافته ناشی از عمل مفصل‌بندی را «گفتمان» خواهیم خواند.» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۶) از منظر آنان جهان محصول گفتمان‌هاست، البته این نظریه وجود واقعیت را نفی نمی‌کند؛ اما معتقد است اشیاء و پدیده‌ها تنها از طریق گفتمان معنا می‌یابند؛ برای مثال طغیان رودخانه و جاری شدن سیل حادثه‌ای است که مستقل از تفکر و ذهنیت مردم روی می‌دهد، اما از همان زمان که مردم شروع به معناداری به آن می‌کنند تبدیل به

موضوعی گفتمانی می‌شود و افراد براساس گفتمان‌های مختلف، آن را به خشم خدا، سوء مدیریت دولتی، ال نینو و... نسبت می‌دهند و به این ترتیب واقعه براساس هر گفتمان، معنای متفاوتی پیدا می‌کند (حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۴). بر اساس این نظریه، گفتمان به معنادهی متفاوت محدود نمی‌شود بلکه به تناسب هر معنادهی، واکنش‌ها و عملکردهای متفاوتی نیز به وجود می‌آید و این کنش‌ها در مجموع، جهان اجتماعی را می‌سازند.

۲- نظریه گفتمان و انقلاب

نکته‌ای که در اینجا می‌بایست به اختصار به تبیین آن پرداخت، نگاهی است که لاکلائو و موف به پدیده انقلاب دارند. لاکلائو و موف برداشت کلاسیک از انقلاب را اگر به معنای «تعیین چند جانبه مجموعه‌ای از مبارزات در نقطه گسست سیاسی بگیریم» که از لحظه وقوع آن «تأثیرات متنوعی در ساختار سیاسی جامعه منتشر می‌شود» و در بسیاری از مواقع، «کنار گذاشتن خشونت‌آمیز رژیم سرکوبگر» را نیز شامل می‌شود، می‌پذیرند (لاکلائو و موف، ۱۳۹۳: ۲۷۳). با این وجود از منظر آنان تعاریف کلاسیک انقلاب متضمن بنیاد گذاشتن نقطه‌ای جدید برای «تمرکز قدرت» است که جامعه از آن نقطه به نحوی عقلانی از نو سازمان داده می‌شود و این امر با چشم‌اندازی که «کثرت و گشایش» دموکراسی رادیکال ایجاد می‌کند ناهمخوان است، لذا آن را نمی‌پذیرند. انتقاد دیگری که از منظر آنان بر تعاریف کلاسیک انقلاب مطرح می‌گردد این است که این تعاریف می‌کوشند «عاملان تغییر، سطوح تأثیرگذاری در امر اجتماعی و نقاط و برهه‌های ممتاز گسست را به نحو پیشینی تعیین کنند.» (لاکلائو و موف، ۱۳۹۳: ۲۷۵). در حالی که به نظر آنان نمی‌توان به نحوی پیشینی سطوح ظهور تخصصات را مشخص ساخت؛ چون هیچ سطحی وجود ندارد که دائماً تحت تأثیر تعیین‌کنندگی همه جانبه سایر سطوح تغییر نکند.» (لاکلائو و موف، ۱۳۹۳: ۲۷۸).

لاکلائو و موف برای تعیین ابزارهای نظری «ابعاد عمل انقلابی» به مفاهیم گرامشی نگاهی نو انداخته و به‌ویژه از مفهوم «جنگ موقعیت» استفاده می‌کنند. به نظر آنان جنگ موقعیت، ویژگی همه تغییرات رادیکال است. مفهوم دیگری که در تبیین پدیده انقلاب از منظر آنان می‌بایست مطرح کرد، چیزی است که لاکلائو آن را «مطالبه اجتماعی پایه‌ای» می‌نامد. لاکلائو استدلال می‌کند که این مطالبه، تلاش برای مفصل‌بندی چیزی است که فرض می‌شود در یک نظم اجتماعی خاص غایب است (دال خالی). اگر به این مطالبه رسیدگی شود و در نتیجه در سطح یک درخواست باقی بماند، موضوع تمام شده است؛ اما